

هادی آجیلی*

سیده مهدیه قریشی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۲/۱۵

چکیده

ترکیه از جمله کشورهای منطقه خاورمیانه است که با بروز تحولات در سوریه بعد از وقوع انقلاب در کشورهای عربی نقش عمده‌ای را در معادلات قدرت ایفا کرده است، به‌طوری که حزب عدالت و توسعه در این کشور که با سیاست صفر کردن مشکلات با همسایگان قدم به عرصه فعالیت‌های بین‌المللی گذاشت، تغییر رویه داده و نقش تشدیدکننده منازعات در برخی کشورهای همسایه را در پیش گرفت. در واقع ترکیه با تاثیر پذیرفتن از عوامل بین‌المللی و نیز منطقه‌ای، سلسله اقداماتی را به مرحله اجرا در آورد که به‌دور از اصول اولیه و اعلامی دولت اردوغان در سیاست خارجی بوده است. با توجه به مد نظر قرار دادن تئوری واقع‌گرایی تهاجمی جان مرشایمر، نگارندگان به دنبال تبیین این فرضیه هستند که ترکیه، بحران سوریه را به مثابه یک فرصت در جهت افزایش قدرت و جایگاه منطقه‌ای، مهندسی موازنه قوا و ژئوپلیتیک جدید به سود خود و نیز اعتمادسازی در همکاری و اتحاد با غرب در منطقه قلمداد کرده و بر همین اساس با اقدامات تهاجمی، رویکرد تشدید بحران و تغییر رژیم را در سوریه پی‌گیری نموده است.

کلیدواژگان: سیاست خارجی ترکیه، بحران سوریه، هژمونی منطقه‌ای، خاورمیانه

Hadijili@yahoo.com

* استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی

Mahdiyehghorashi62@gmail.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال بیستم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۲، صص ۹۹ - ۱۲۴.

مقدمه

ترکیه و سوریه از گذشته تا به حال در روابط دوجانبه خود با مشکلاتی روبه‌رو بوده‌اند. مساله کردها و حمایت سوریه از گروه‌های جدایی‌طلب کرد در ترکیه، تقسیم منابع آبی دجله و فرات و اختلاف ارضی بر سر استان هاتای، از جمله مهم‌ترین موضوعات مورد مناقشه میان این دو کشور همسایه بوده است. با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه، روابط میان سوریه و ترکیه وارد مسیر تازه‌ای شد. حزب عدالت و توسعه که با سیاست صفر کردن مشکلات با همسایگان، اقدام به برقراری دور جدیدی از روابط دیپلماتیک با کشورهای منطقه کرده بود، ایده حل اختلافات با سوریه را نیز در مجموعه اقدامات خویش قرارداد، به‌طوری‌که در مقطعی به‌عنوان میانجی حل اختلافات میان سوریه و اسرائیل بر سر موضوع تقسیم آب وارد عمل شد. اگرچه اختلافات سوریه و ترکیه از همان ابتدا براساس ریشه‌ای تاریخی شکل گرفته بود، با ورود ترکیه در کسوت حل‌کننده مناقشات و ایفاگر نقش خیرخواهانه برای کشورهای منطقه در کاهش اختلافات، منازعات میان سوریه و این کشور نیز رو به کاهش نهاد. اما چندی نگذشت که با تحولات ناگهانی در کشورهای عربی و ظهور حرکت‌های انقلابی در آنها، ترکیه با حمایت طرف‌های غربی و عربی خود و با نگاه فرصت‌طلبانه به شرایط ایجاد شده در منطقه، تغییر رویه داده و این بار به هدف ایجاد و مهندسی تحولات مطلوب در کشورهای یاد شده گام‌هایی جدی در منطقه و به‌ویژه در ایجاد مناقشه در سوریه برداشت.

در این راستا، نگارندگان مقاله حاضر برآنند به این پرسش پاسخ دهند که، مؤلفه‌های سیاست خارجی ترکیه در قبال تحولات سوریه چیست؟ در مورد سوابق و ادبیات موجود در این زمینه می‌توان به مواردی اشاره کرد؛ از جمله مقاله «سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه ترکیه» به قلم حسن نقدی نژاد که به بیان سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه، قبل از ورود آن به تحولات در خاورمیانه می‌پردازد. در گزارشی دیگر از مرکز تحقیقات استراتژیک تحت نام «تاملی بر اهداف و مواضع متناقض ترکیه در قبال تحولات خاورمیانه»، صرفاً به چرایی انتخاب اهداف و رویکردهایی از طرف ترکیه توجه شده و با تاکید بر آن، بروز رفتارهای تناقض‌آمیز این کشور را بعد از ظهور تحولات در کشورهای عربی و به‌وجود آمدن بستری برای فرصت‌سازی از این شرایط

از منظر ترکیه توضیح داده است. در یادداشت دیگری نیز غلامعلی سلیمانی به رویکرد سیاست خارجی ترکیه در تحولات سوریه با استفاده از دو سناریوی تفکر نوع‌ثمنی‌گرایی و حمایت ترکیه از معارضان سوریه، چشم‌انداز سیاست خارجی ترکیه را در بحران سوریه ناموفق توصیف می‌کند. در همین راستا، مقاله حاضر در نظر دارد با استفاده از اخبار و وقایع رخ داده به صورت مستند و نیز تحلیل‌های ژورنالیستی و مصاحبه کارشناسان و صاحب‌نظران به تبیین سیاست خارجی ترکیه در قبال بحران سوریه بپردازد. از این‌رو، نوشتار پیش رو بر آن است با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و مد نظر قرار دادن متغیرهای مستقل و وابسته که به ترتیب بحران سوریه و سیاست خارجی ترکیه است، به تبیین تأثیری که بحران سوریه بر سیاست خارجی ترکیه گذاشته است، بپردازد. در ادامه، مقاله در پی دستیابی به این فرضیه نگاشته شده که ترکیه در جهت افزایش قدرت منطقه‌ای و مهندسی ژئوپلیتیک مطلوب خود و نیز اعتمادسازی در همکاری و اتحاد با غرب در منطقه با اقدامات تهاجمی، مبادرت به تشدید بحران در سوریه کرده و خواستار تغییر رژیم این کشور است.

چارچوب نظری: تلفیق دیدگاه مرشایمر و نظریه منزلت‌یابی بین‌المللی

مرشایمر معتقد است ساختار بین‌المللی آنارشیک بوده و بعد از این نیز آنارشیک باقی خواهد ماند. از این رو دولت‌های طرفدار حفظ وضع موجود به‌ندرت در عرصه سیاست جهانی یافت می‌شوند؛ زیرا ساختار نظام بین‌الملل انگیزه‌ای بسیار قوی برای جست‌وجوی فرصت‌هایی جهت افزایش قدرت به بهای کاهش قدرت رقبا به دولت‌ها بخشیده و آنها را بر آن می‌دارد تا هرگاه منافع بر هزینه‌ها سنگینی کرد، از موقعیت پیش آمده در جهت کسب منافع خود استفاده کنند. در این راستا هدف غایی یک دولت، آن است که به یک هژمون منطقه‌ای تبدیل شود. بنابراین با توجه به بیشینه‌سازی قدرت توسط دولت‌ها برای کسب موقعیت هژمونی، دولت‌ها به استفاده از دو گروه رفتار راهبردی روی می‌آورند که در هر دو مورد؛ یعنی هم افزایش قدرت و نیز مهار و کنترل رقبا، وضعیت ژئوپلیتیکی را در نظر می‌گیرند. دولت‌ها در راهبرد افزایش قدرت از گزینه جنگ و یا آتش‌باری معرکه استفاده می‌کنند. به دنبال این مساله، این دیدگاه بیان می‌دارد که

ساختار نظام بین‌الملل، قدرت‌های بزرگ را و می‌دارد تا قدرت نسبی خود را به حداکثر برسانند؛ زیرا این تنها راه مطلوب برای به حداکثر رساندن امنیتشان در چنین محیط آنارشیکی خواهد بود. به عبارت دیگر، بقا را مستلزم ارایه رفتاری تهاجمی تلقی می‌کنند. در همین رابطه، دولتی که قصد تغییر جایگاه خود و تبدیل شدن به هژمونی منطقه‌ای را دارد، با موانعی از طرف هژمون مسلط دور از منطقه خود و نیز با دولت‌های دیگر در منطقه‌ای که واقع شده است، روبه‌رو می‌شود و بر همین اساس دولت هژمون مسلط شرایط را برای عدم دستیابی دیگران در جهت هژمون شدن فراهم می‌کند. (Mersheimer, 2001) بنابراین تئوری مرشایمر با تاکید بر ساختار بین‌المللی و براساس رفتار تیپیکال کشورها، اغراض و نیت آنها را مشخص کرده و سلسله اعمالشان را در جهت دستیابی به موقعیت برتر دو حوزه زیست‌شان پیش‌بینی می‌کند. در همین راستا، منزلت‌طلبی دولت‌ها برای بهبود جایگاه خود در سطح کلان و هم منطقه‌ای نیز قابل اعتنا می‌شود.

«منزلت بین‌المللی» شامل ایده‌هایی درباره رتبه و جایگاه یک کشور در نظام سلسله‌مراتبی سیاسی، نظامی، اجتماعی و اقتصادی بین‌الملل است. این رتبه‌بندی بر مبنای ارزیابی از مؤلفه‌های قدرت مادی و همچنین معنایی یک کشور در مقایسه با دیگران تعیین می‌شود. علاوه بر ارزیابی در خصوص وضعیت موجود، منزلت بین‌المللی می‌تواند شامل ایده‌هایی درباره وضعیت مطلوب باشد. مقصد سیاسی و منزلت بین‌المللی در هویت ملی و خودپنداره‌ها، با هدف احراز یک هویت برجسته برای دولت در مقایسه با دیگر دولت‌ها و تامین عزت نفس ملی تعریف می‌شود. با تعریف این دو رکن، دولت‌ها در می‌یابند که به چه گروه‌هایی تعلق دارند یا باید بپیوندند. به تعبیر دیگر، این موارد لزوماً ناظر به شرایط موجود (توصیفی) نبوده و می‌توانند در قالب آرمانی (تجویزی) تعریف شوند. گروه‌های مورد نظر در سطح بین‌الملل بر مبنای شاخصه‌ها و ویژگی‌های مادی و معنایی تشکیل می‌شوند. (Noori, 2012, 133-134)

با توجه به رویکرد تهاجمی ترکیه در قبال تحولات سوریه در قالب اقداماتی چون آموزش ارتش آزاد سوریه و تجهیز نظامی گروه‌های مسلح در این کشور و پناه دادن به آوارگان سوری و نیز ارایه راهکار برای حل بحران موجود در سوریه که در نهایت برکناری اسد از حکومت و ایجاد دولت

انتقالی را مورد تاکید قرار می‌دهد، که دستیابی به موقعیت هژمونیک منطقه‌ای و نیز منزلت‌طلبی را مطمئن نظر دارد، می‌توان مجموعه این موارد را در چارچوب تئوریک ذکر شده بررسی کرد.

تاریخ روابط ترکیه و سوریه

پس از قرن‌ها ارتباط مداوم و نزدیکی میان ترکیه عثمانی و بلاد شام، یک دیوار بلند جدایی میان دو کشور ترکیه جدید به رهبری آتاتورک و سوریه جدید که بخش جداشده‌ای از سوریه بزرگ به دست استعمار فرانسه بود، و قبلاً طبق پیمان «سایکس پیکو» حدود آن تقسیم و مشخص شده بود، پدید آمد. در فاصله دو جنگ جهانی در حالی که ترکیه تحت حکومت مصطفی کمال پاشا به دنبال یک کشور مدرن غربی و بریدن از ریشه‌های اسلامی و اصیل مردمی این کشور و امپراتوری و میراث آن بود، نخبگان عرب سوریه به تدریج در صدد خروج از آثار باقی مانده از عثمانی و رواج گرایش‌های ملی‌گرایی عرب و وحدت عربی بودند. از سوی دیگر، دین اسلام که عامل وحدت میان بخش‌های مسلمان‌نشین امپراتوری عثمانی از جمله استانبول و دمشق بود، با تعبیرهای خاصی در ترکیه و سوریه مواجه شد و از جانب حکم‌فرمایان به مایه انفصال و جدایی مبدل گردید. (امامی، ۱۳۷۷، ۶۳۸) در سوریه نخبگان جدید، قدرت را قبضه کردند و در جهت برقراری روابط با اتحاد شوروی که به عنوان قطبی جدید در صحنه بین‌المللی ظهور کرده بود، حرکت کردند و از نظر اعتقادی تحت تاثیر افکار تند ملی‌گرایی عرب و کمونیسم قرار گرفتند. در حالی که ترکیه با جدیت تمام در جهت عکس آن حرکت نموده و به عضویت کامل پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) درآمد و روابط خود را با ایالات متحده آمریکا و کشورهای غربی گسترش داد. مجموع این عوامل و دو طرز تفکر و اندیشه سیاسی متفاوت و متضاد، به نوبه خود موجب شد دو کشور فاصله بیشتری از یکدیگر بگیرند. در این میان شناسایی اسرائیل از جانب ترکیه بر اختلافات افزود. از طرف دیگر نیز وجود قوم‌گرایی افراطی عرب و گرایش توسعه‌طلبانه آن و ارتباط دمشق با مسکو موجبات بی‌اعتمادی ترکیه به سوریه را فراهم کرد. روابط این دو کشور قبل از جنگ خلیج فارس به شدت تحت تاثیر مواردی چون اختلاف بر سر منطقه هاتای، بحران آب و مساله کردها بود. (Khoury, 1987, 6206)

تا زمان فروپاشی شوروی، ترکیه و سوریه در دو جبهه در مقابل یکدیگر قرار گرفتند. در این مدت نیز در هر فرصتی به همدیگر ضربه وارد کردند. ارتباط میان چپ‌گرایان ترک با چپ‌گرایان سوریه در آن زمان از جمله مواردی بود که شکاف میان این دو کشور را عمیق‌تر می‌کرد. اگرچه همواره بعد از فروپاشی شوروی و پیامدهای ناشی از آن و جنگ خلیج فارس و همچنین اعلام نظم نوین جهانی توسط بوش پدر، دو کشور به جهت به مخاطره افتادن منافعشان تا حدودی از مناقشات کناره گرفتند، روابط آنان تا روی کارآمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه که با رویکرد سیاست به صفر رساندن مشکلات با همسایگان به قدرت رسید، همچنان از سردی برخوردار بود. از آنجا که دولت جدید ترکیه در قالب قدرت تنش‌زدا وارد معادلات منطقه‌ای شده و به بسترسازی در زمینه همکاری‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی با سایر کشورها از جمله سوریه پرداخت، روابط دو کشور رو به بهبود گذاشت، به‌طوری که در برهه‌ای از زمان، تحریم دیپلماتیک سوریه از طرف ایالات متحده، اتحادیه اروپا و جهان عرب، باعث نزدیکی ترکیه و سوریه شد. در واقع، سوریه برای خروج از انزوا و تقویت موقعیت خود در منطقه، فارغ از مناقشات خود با ترکیه روی به سوی این متحد دیرین خود آورد. ترکیه نیز از این شرایط استفاده کرده و برای رشد مؤلفه‌های اقتصاد خود از این کشور به‌عنوان بازار جدیدش بهره‌برداری کرد. (Phillips, 2012, 36 & 38) در ادامه ترکیه سعی کرد برای حفظ توازن منطقه دست به سلسله اقداماتی در جهت نیل به این هدف زده و نقش مهارکننده قدرت‌های منطقه را ایفا کند، اگرچه در این میان اعمال این کشور چون به‌رسمیت شناختن رژیم اسرائیل و عقد قراردادهای نظامی و امنیتی با آن موجبات نگرانی حکام سوری را پدید آورد. اما تنش و درگیری میان این دو کشور پس از گذشت سال‌ها چون آتش زیر خاکستر بوده و هر لحظه احتمال شعله‌ور شدن آن و فرو رفتن طرفین در گردابی از برخوردها وجود دارد.

سیاست خارجی حزب «عدالت و توسعه»

راهبرد سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه متأثر از متغیرهای درونی و بیرونی فراوانی است که بخش اعظمی از نحوه جهت‌گیری آنها ریشه در دو عامل «محیط سیاسی و حکومتی

ترکیه» و فرایند طولانی «غربی شدن آنکارا» دارد. ساخت سیاسی ترکیه، قانون اساسی و وجود نهادهایی اثرگذار در فرآیند شکل‌گیری سیاست خارجی از قبیل شورای امنیت ملی، دادگاه، قانون اساسی، پارلمان، نخست‌وزیر، رئیس‌جمهور و ارتش باعث شده است که راهبرد سیاست خارجی این کشور در یک محیط تقابل و تعامل با افکار کمالیستی تنظیم و اجرا گردد. (صولت، ۱۳۹۰)

سیاست خارجی ترکیه در منطقه خاورمیانه در خلال جنگ سرد از اصل سنتی‌اش یعنی عدم مداخله‌گری در منازعات و مسایل مربوط به این منطقه پیروی کرده است، اما بعد از دهه ۱۹۹۰ و امضای قراردادهای امنیتی و نظامی میان آنکارا و تلاویو عملاً سیاست خارجی ترکیه با دگرگونی مواجه شد. بعد از انحلال حزب فضیلت بنا بر تصمیم دادگاه قانون اساسی ترکیه به دلیل ضدیت با سکولاریسم، در سال ۲۰۰۱ فرصتی برای اعضای جوان‌تر و اصلاح‌طلب حزب منحل شده فراهم شد تا حزب عدالت و توسعه را به رهبری رجب طیب اردوغان راه‌اندازی کنند. (محمدی، ۱۳۹۰)

حزب عدالت و توسعه پس از به قدرت رسیدن، اعلام کرد که ترکیه در یک شرایط منحصر به فرد برای پیوند و ایجاد سازش بین اسلام، دموکراسی و سکولاریزم قرار دارد. ترکیه نسبت به ایده «برخورد تمدن‌ها» اعتراض کرد و در عین حال واشنگتن خواستار معرفی ترکیه به‌عنوان یک الگو برای جهان اسلام بود. (مرادیان، ۱۳۸۵، ۵۰)

در واقع ترکیه به بازنگری در سیاست خارجی خود که تا سال‌ها مبتنی بر رابطه صرف با غرب بود، پرداخته و مسیر میانه‌ای را در قبال همسایگان و منطقه خاورمیانه و نیز متناسب با منافع ملی‌اش ترسیم کرد. حزب عدالت و توسعه در همان اوان به قدرت رسیدن اعلام کرد که سیاست خارجی ترکیه دارای تعادل و توازن نبوده و تأکید بیش از حد بر رابطه با اروپای غربی و امریکا و نادیده گرفتن ارتباط با کشورها به‌خصوص در خاورمیانه نمی‌تواند موجب نقش‌آفرینی بزرگ ترکیه در صحنه بین‌المللی شود. در عین حال که رهبران ترکیه در نظر دارند به تعادل در مقابل وابستگی‌هایشان نسبت به غرب برسند، در داخل ترکیه نیز در حال بازگشت به هویت اصیل و تاریخی خود و یادآوری ترکیه‌ای هستند که وارث یک امپراتوری چندملیتی بود. از این رهگذر کوشش ترکیه صرفاً در طرح اسلامیزه کردن ترکیه و سیاست خارجی‌اش خلاصه نشده، بلکه کوششی برای ایجاد تعدیل کمالیسم در راستای واقعیت‌های ژئوپلیتیکی این کشور را نیز مد نظر قرار داده است.

(قهرمانپور، ۱۳۸۹) از منظر تصمیم‌گیرندگان در این کشور، ترکیه به جهت دارا بودن شاخص‌های هویتی متکثر و ابعاد چندوجهی‌اش، نیازمند سیاست خارجی‌ای است که طبق این هویت متنوع تنظیم شود. از مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده رهنامه سیاست خارجی ترکیه می‌توان به افزایش نقش آفرینی ترکیه در عرصه جهانی به دلیل داشتن تاریخی پرشکوه و عمق جغرافیایی، تاکید بر سرمایه‌گذاری بر قدرت نرم، الگو شدن نهادهای سیاسی داخلی این کشور برای سایر کشورهای منطقه، اقتصاد قدرتمند، ایجاد همکاری میان کشورهای منطقه از لحاظ سیاسی و امنیتی و اقتصادی برای جلوگیری از مداخله قدرت‌های خارجی اشاره کرد. (شکوهی، ۱۳۹۰) مفاد این رهنامه در حالی مطرح شد که تحلیلگران، این سیاست خارجی ترکیه را «نوع‌ثمانی‌گرایی» نامیدند. این نام‌گذاری به جهت ویژگی‌هایی بود که این پدیده به همراه خود داشت. از جمله این ویژگی‌ها عملیاتی کردن سیاست صفر کردن مشکلات با همسایگان از طریق تلاش ترکیه برای حل و فصل اختلافات سیاسی و فرهنگی خود با همسایگانش، رضایت نسبی از اجرای این سیاست در غرب و شرق بر مبنای قدرت هنجارهای سیاسی، اقتصادی، دیپلماسی، فرهنگی و نفوذ در سرزمین‌های امپراتوری عثمانی، انعطاف‌پذیری برای سازگاری بدین مفهوم که ترکیه سعی می‌کند سیاست بین‌الملل جزمی را کنار گذاشته و با انعطاف‌پذیری خود را در معادلات جهانی جای دهد، بود. عثمانی‌گرایی جدید اهمیت جهان اسلام را به اندازه غرب پذیرفت و این درحالی بود که در دوره کمالیست‌ها ارتباط با شرق تا حدود بسیاری محو شده بود، ولی این تعریف جدید از این نوع رابطه با عنوان واقعیت ژئوپلیتیکی شکل گرفت. (امیدی و رضایی، ۱۳۹۰، ۲۴۲) در واقع علاوه بر جغرافیا، تاریخ و اقتصاد نیز منابع سیاست خارجی ترکیه محسوب می‌شوند. (طاهایی، ۱۳۸۰، ۲۲۸) دیگر اینکه ترکیه درعین ارتباط با شرق و همسایگانش جهت حل اختلافات، به توسعه روابط خود به‌طور هماهنگ با قدرت‌های جهانی می‌پردازد. از نظر اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، این کشور تنها کشور خاورمیانه است که می‌تواند با کشورهایی که در تضاد ایدئولوژیک و سیاسی و ... هستند به واسطه قدرت نرمی که دارد، تعامل داشته باشد. این نوع نگرش ترکیه نسبت به مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای حداقل تا انتخابات ژوئن ۲۰۱۱ تداوم داشته و همچنان ترکیه در مسیر اقدامات حل و فصلی برای پایان دادن به مشکلات با

همسایگانش در منطقه و در عین حال چانه‌زنی برای ورود به اتحادیه اروپا و تلاش برای حفظ حمایت‌های ایالات متحده از خود است. در همین راستا، اردوغان قبل از اعلام رسمی پیروزی حزب عدالت و توسعه در نطقی تلویحا این طور بیان داشت که پیروزی این حزب در واقع پیروزی تمام کشورهایی است که سابقا جزو قلمرو امپراتوری ترکیه محسوب می‌شدند. این گفته‌ها تا حدودی می‌تواند ترسیم‌کننده نقشه جغرافیایی اردوغان و به نوعی بازگرداندن این کشور به جایگاه رهبری این مناطق و عاملیت فعال آن در جامعه بین‌المللی باشد. در واقع ترکیه با تعریف جدیدی که از خود و سیاست خارجی‌اش ارایه کرده، توجه خویش را به خاورمیانه معطوف ساخته است. تبدیل خاورمیانه به کانون توجه سیاست خارجی ترکیه، نشان از وجود بعد قدرتمند هویتی در سیاست خارجی جدید آن دارد. ترکیب این مساله با تاریخ و جغرافیا و طرح آن در رهنامه عمق راهبردی باعث می‌شود که ترکیه هدف خود در خاورمیانه را در تبدیل شدن از قدرت منطقه‌ای به قدرت مرکزی خلاصه کرده و از تمام موقعیت‌هایی که در منطقه فراهم است، در جهت رسیدن به این هدف و تثبیت موقعیتش استفاده کند. برای ترکیه داشتن رابطه با غرب به خصوص آمریکا و همچنین عضویت در ناتو و تداوم حضور موثر آمریکا در منطقه، از جمله فرصت‌هایی است که با بهره‌گیری از آنها می‌تواند در جهت دستیابی به موقعیت قدرت مرکزی استفاده کند. در همین راستا بروز بحران در منطقه نیز از مهم‌ترین فرصت‌هایی است که زمینه را برای کسب موارد فوق فراهم می‌کند.

سیاست خارجی ترکیه بعد از بروز بحران در سوریه

بروز بحران در سوریه موجب تغییر سیاست خارجی این کشور شد، به طوری که رهنامه به صفر رساندن تنش‌ها، به صفر رساندن تعهدات در صورت لزوم و در راستای منافع ملی تعریف شد. راهبرد سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه متأثر از متغیرهای درونی و بیرونی فراوانی است که بخش اعظمی از نحوه جهت‌گیری آنها ریشه در دو عامل «محیط سیاسی و حکومتی ترکیه» و فرایند طولانی «غربی شدن آنکارا» قرار دارد. ساختار سیاسی ترکیه، قانون اساسی و وجود نهادهایی اثرگذار در فرآیند شکل‌گیری سیاست خارجی از قبیل شورای امنیت ملی،

دادگاه، قانون اساسی، پارلمان، نخست‌وزیر، رئیس‌جمهور و ارتش باعث شده است که راهبرد سیاست خارجی این کشور در یک محیط تقابل و تعامل با افکار کمالیستی تنظیم و اجرا گردد. (سایت اندیشه و عمل پویا، ۱۳۹۱) با توجه به موضوعات قابل بررسی در سیاست خارجی که عموماً شامل اهداف دولت‌ها، مجموعه اعمال و نیز نقش آفرینی آنان و همچنین سمت‌گیری‌های دولت‌ها در ادامه اقداماتشان بوده است، می‌توان اقدامات تهاجمی ترکیه را در قبال سوریه با هدف منزلت‌طلبی و حرکت به سمت کسب موقعیت هژمون منطقه‌ای دانست و برای این دولت نقش تنش‌زا در این رابطه قائل شد. این مساله بیانگر این است که بعد رهنامه به صفر رساندن تنش‌ها در راستای منافع تعریف شده است. دلایل مختلفی را می‌توان برای موضع‌گیری ترکیه در قبال سوریه برشمرد. یکی از این دلایل، تغییر در جهت‌گیری سیاست خارجی ترکیه و قرار گرفتن خاورمیانه در کانون توجه این سیاست جدید است. ترکیه با تغییر نقشه سیاسی منطقه در سیاست خارجی خود سعی دارد با نظام‌های جدید هم به نوعی ارتباط برقرار کند که در نهایت منافع سیاسی، اقتصادی و امنیتی این کشور را تامین کند. به همین خاطر رویکرد سیاست خارجی ترکیه بر تبدیل شدن به بازیگری فعال در عرصه منطقه‌ای مبتنی خواهد بود تا در آینده برای سایر کشورهای منطقه محلی جهت رجوع باشد، اما در این مسیر ایران مهم‌ترین رقیب ترکیه به‌شمار می‌رود. بنابراین و با توجه به نوع رابطه ایران و سوریه و نقش این کشور در سیاست‌های منطقه‌ای ایران، ترکیه حذف سوریه از لیست متحدان ایران و به‌دنبال آن روی کار آمدن یک دولت با جهت‌گیری غربی در سوریه را یکی از راه‌های تضعیف ایران می‌داند. از سوی دیگر، موفقیت ترکیه در غالب ساختن دیدگاهش در رابطه با سوریه می‌تواند این پیام را برای افکار عمومی جهان داشته باشد که ترکیه در منطقه، نفوذ و قدرت بیشتری نسبت به ایران داشته و این خود به معنی دستیابی ترکیه به هدف رهبری در منطقه خواهد بود.

از منظری دیگر جهت‌گیری ترکیه در خصوص بحران سوریه را می‌توان بر مبنای سه اصل اساسی سیاست خارجی این کشور شامل نوع‌ثمانی‌گرایی، کمالیسم و دوگلیسم ترکی دانست. (تسیبار، ۲۰۱۲) به‌دنبال این سه اصل داوود اوغلو، وزیر امور خارجه ترکیه، نیز در این مورد در بیان اهداف و انگیزه‌های ترکیه در موضع‌گیری‌های خود در مورد بحران سوریه اذعان داشت که «وقتی

خیزش عربی در تونس آغاز شد، یک چالش بزرگ پدید آمد، یک چالش بزرگ برای منطقه و یک چالش بزرگ برای ترکیه، و ما از خود پرسیدیم: سیاست خارجی ما چه باید باشد؟ ما چه رویکردی باید نسبت به این فرایند داشته باشیم؟ و پاسخ ما این بود: ما باید خواست مردم عرب را حمایت و پشتیبانی کنیم هرکجا که باشند و هرچه که بخواهند. این حق آنهاست؛ چون ما فکر می‌کنیم که این جریانی تاریخی بوده و اکنون وقت تغییر است.» (Davutoglu, 2012)

بر اساس نظرات اوغلو، تئوریسین حزب عدالت و توسعه، ترکیه باید حوزه نفوذ جغرافیای سیاسی خویش را به حوزه نفوذ تاریخی پیوند دهد. در این نگاه طبیعی خواهد بود که به سوریه به‌عنوان اولین دروازه ورودی در جهت تحقق این امر توجه شود. در عین حال مینا قرار دادن گذشته تاریخی بدون مد نظر قرار دادن شرایط امروز و قابلیت‌ها، سبب شده است فرصت سوریه، به تهدیدی جدی برای ترکیه تبدیل شود. (ملکی، ۱۳۹۱)

از طرف دیگر، ترکیه به‌طور سنتی همواره نقش حایل میان شرق و غرب برای خود قائل بوده؛ بدین معنی که غرب همواره سعی داشته است از پنجره ترکیه به شرق نگاه کند. اما این امر در شرایطی امکان‌پذیر خواهد بود که ترکیه‌ای متناسب با معیارها و استانداردهای غربی ساخته شده باشد. ترکیه هم در کارنامه سیاست خارجی خود همواره از این مساله استقبال کرده و برای تحقق آن سیاست‌های توازن‌بخش در منطقه را به‌کار بسته است، اما در حال حاضر به‌نظر می‌رسد ترکیه برخلاف این حکم ژئوپلیتیکی حرکت می‌کند و بدون تردید نادیده گرفتن آن منجر به تحمیل یک شکست تاریخی برای سیاست خارجی ترکیه خواهد شد. در این خصوص ظاهراً تاکنون حتی بازیگران غربی نیز از بازی جدید ترکیه در منطقه حمایت جدی نکرده‌اند. (مومن‌زاده، ۱۳۹۱) به‌هر روی سیاست ترکیه در قبال تحولات انقلابی منطقه تابع ملاحظات اقتصادی آن بوده است، به‌طوری‌که پیش از آغاز زنجیره اعتراضات، دولت اردوغان در راستای راهبرد «مشکل صفر با همسایگان» همواره بر مناسبات دوستانه با کلیه رژیم‌های منطقه - اعم از دموکراتیک یا اقتدارگرا - تاکید داشت. اما پس از آغاز تحولات، ترک‌ها با مشاهده واقعیت‌هایی نظیر جدیت و قاطعیت معترضان برای تغییر رژیم و الگوپذیری بسیاری از آنها از حزب عدالت و توسعه به این جمع‌بندی رسیدند که بهبود آینده جایگاه منطقه‌ای ترکیه مستلزم حمایت از

خواسته‌های معترضان است. به این ترتیب، نخبگان حزب عدالت و توسعه تصمیم گرفتند از تحولات اجتماعی-سیاسی منطقه به‌عنوان یک فرصت بزرگ جهت تعمیق موقعیت هژمونیک کشورشان در منطقه استفاده کنند. (Lindenstrauss, 2012) به‌طور کلی، حزب عدالت و توسعه، سیاست راهبری و پیشتازی را در نظر داشته و علاوه بر آن در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی سعی کرده است همچنان ارتباط خود با سایر کشورها را حفظ کند و در ادامه دغدغه‌های امنیتی خود را در عراق کاهش و همچنین الگوی حکومتی خود را در خاورمیانه گسترش دهد. حزب عدالت و توسعه همچنین قصد دارد ترکیه را از یک کشور صرفاً بازیگر به کشوری دارای نظریه و رهنمود در مسائل منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبدیل کند و این روند در قالب سیاست «نوع‌ثمانی‌گرایی» تعریف می‌شود. در ادامه نوشتار، برخی اقدامات و مؤلفه‌های اصلی سیاست خارجی ترکیه در قبال بحران سوریه مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد، این اقدامات و موضع‌گیریها شامل دو دسته مواضع سیاسی-دیپلماتیک و نظامی-امنیتی است:

الف. مواضع و اقدامات سیاسی-دیپلماتیک:

میزبانی نشست‌های معارضین سوری

به دنبال خیزش‌های مردمی در خاورمیانه و شمال آفریقا، سوریه نیز متعاقب آن از امواج این خیزش‌ها مصون نمانده و دامن ناآرامی‌ها در نهایت این کشور را نیز دربرگرفت. دولتمردان ترک در ابتدا به دلیل دغدغه‌های امنیتی حضور کردها در دو سوی مرزها، انتظار داشتند دولت بشار اسد بتواند ناآرامی‌ها را مهار کند و از این‌رو سیاست محتاطانه‌ای را در موضع‌گیری‌های اولیه خود درپیش گرفتند، ولی با وخیم‌تر شدن اوضاع، ترکیه به این جمع‌بندی رسید که حرکت‌های جاری در خاورمیانه فراگیر است و شاید دولت سوریه نیز تاب مقاومت در برابر این خیزش‌ها را نداشته باشد. از جمله اقدامات مداخله‌جویانه ترکیه در مسائل سوریه، تغییر مواضع این کشور در جهت برگزاری جلسات حل و فصل موضوع سوریه به رهبری اپوزیسیون دولت سوریه بود. (سایت اندیشه و عمل پویا، ۱۳۹۱) دولت اردوغان با توجه به رویکرد نوع‌ثمانی‌گرایی خویش در تلاش‌های منطقه‌ای‌اش برای حمایت از اپوزیسیون سوری به برگزاری جلسات با ارتش آزاد

سوریه و شورای ملی سوریه مبادرت ورزید. (تسیبار، ۲۰۱۲) در واقع، ترکیه با تحریک اپوزیسیون و براندازی دولت سوری که در خارج از مرزهای سوریه مستقر بودند، به سرنگونی حکومت اسد دست زد و موجبات ناامنی روانی مردم سوریه را نیز فراهم آورد. این اقدامات و عدم توجه ترکیه به راه حل‌های پیشنهادی از طرف کشورهای منطقه که در قالب چندین نشست ویژه صورت گرفته، موجب مخدوش شدن چهره مصالحه‌گر و مدارامدارانه حزب اردوغان از ۲۰۰۲ تاکنون شده است. ترکیه با هدف براندازی حکومت اسد دست به اجرای مجموعه اقداماتی زد که به دنبال آن از فرصت پیش آمده در سوریه به نفع خود استفاده کند. «ترکیه نه فقط خواستار ایجاد منطقه پرواز ممنوع در سوریه است بلکه میزبان ارتش آزاد سوریه و کنگره ملی سوریه، اصلی‌ترین گروه‌های شورشی فعال در سوریه نیز بوده است. گروه‌هایی که ناتو و عربستان سعودی و قطر و لیبی و امریکا با حمایت و پشتیبانی ترکیه، آن‌ها را به وجود آوردند. ترکیه اعلام کرده در عملیات نظامی علیه کردها، مرزهای سوریه را نقض خواهد کرد و ترکیه از این موضوع به‌عنوان فرصتی برای عملیات‌های جنگی بیشتر استفاده می‌کند. همچنین اقداماتی که ارتش ترکیه علیه مردم ترکیه و اقلیت کردها انجام داده است بخشی از این ماموریت بوده است.» (پرس تی.وی، ۲۰۱۲)

علاوه بر این، مواضع رسانه‌ای و دیپلماتیک رهبران ترکیه، چه رئیس‌جمهور، چه نخست‌وزیر و چه وزیر امور خارجه این کشور در قبال بحران سوریه، به روشنی بیانگر مواضع ترکیه در جهت تغییر رژیم در سوریه بوده است.

ب. مواضع و اقدامات نظامی – امنیتی:

یک. لجستیک و آموزش ارتش آزاد سوریه و گروه‌های معارض مسلح

ترکیه با مجهز کردن گروه‌های معارض سوری به سلاح‌های نظامی، بحران موجود در سوریه را دامن می‌زند. در همین راستا، روزنامه *Yeni Mesaj* ترکیه با تکیه به گزارش جاستین ولا، خبرنگار روزنامه/بندپیمنت در استانبول، که به‌ویژه در اخبار خاورمیانه تخصص دارد، می‌نویسد: «قطر و عربستان سعودی از طریق ترکیه به «ارتش آزاد سوریه» اسلحه و مهمات می‌رسانند، در میان این سلاح‌ها موشک‌های ضد تانک نیز وجود دارد.» او می‌افزاید: «حکومت ترکیه در

پناه دادن، تعلیم و تسلیح مخالفان بشار اسد پایگاه اصلی است. پول آن را شیخ‌های عرب و در راس آنها عربستان سعودی و قطر می‌دهند. آنچه قابل دقت است، این است که این کمک‌ها تنها به گروه‌هایی که نزدیک به اخوان المسلمین هستند داده می‌شود. وزارت خارجه ترکیه همه این ادعاها را رد می‌کند، در حالی که جاستین ولا اطلاعات خود را از دیپلمات‌های غربی مقیم آنکارا کسب کرده است. او می‌گوید سازمان اطلاعات ترکیه نقش واسطه را در این میان بازی می‌کند که تحت کنترل و امر حکومت ترکیه است.» (Vela, 2012) همچنین منابع اطلاعاتی اسرائیل فاش کردند که رژیم صهیونیستی، ترکیه و آمریکا قصد دارند با ارسال موشک‌های ضد هوایی «استینگر» به مخالفان سوری زمین بازی در سوریه را به نفع مخالفان این کشور تغییر دهند.

در ادامه به گزارش خبرگزاری مهر و به نقل از سایت صهیونیستی «دبکا فایل» که ارتباط نزدیکی با منابع اطلاعاتی این رژیم دارد، فاش کرد که «آمریکا پیشتر به‌طور مخفیانه مجوز دادن این موشک‌ها از سوی ترکیه به مخالفان سوری را داده است. به اعتراف این منبع صهیونیستی ترکیه این موشک‌ها را تحت لیسانس آمریکا تولید می‌کند و برای دادن این موشک به طرف سوم باید به‌طور رسمی اجازه آمریکا را دریافت کند که آمریکا پیشتر بعد از هدف قرار گرفتن جنگنده ترکیه توسط ارتش سوریه، بی‌سروصدا این اجازه را به ترکیه داده است تا این موشک‌ها را در اختیار گروه‌های مسلح سوری قرار دهند.» (مهر، ۱۳۹۱) بنابراین با در نظر گرفتن جمله اقدامات ترکیه در قبال سوریه، می‌توان چرخش عملکرد این کشور را خلاف اصول اولیه سیاست خارجی آن که همواره رفع کامل تنش‌ها در منطقه بوده است، مشاهده کرد. در این راستا، ترکیه برای دستیابی به موقعیتی برتر در منطقه و احیای تفکر نوعثمانی‌گرایی وارد عرصه کشمکش قدرت‌های خاورمیانه در جغرافیای ترکیه شد و در ادامه با توجه به اعمال تغییراتی که در روند مواضع سایر کشورهای دخیل در سوریه ایجاد شد، باعث محدودیت تصمیم‌گیری‌های این کشور در دستیابی به سیاست‌های توسعه‌طلبانه‌اش گردید.

در ادامه اعمال مداخله‌گراییانه ترکیه در سوریه، به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی شبکه *العالم*، «ترکیه در اراضی سوریه، با دخالت نظامی - اطلاعاتی به پشتیبانی متوالی اطلاعاتی، تسلیحاتی و آموزشی از گروهک‌های نظامی مبادرت کرده و به آموزش ارتش آزاد سوریه می‌پردازد» همچنین

به گزارش همین پایگاه: «بر اساس ادعای مسئولان رسمی ترکیه، بازدید عناصر مسلح از اردوگاه‌های پناهندگان سوری در ترکیه به منظور یافتن داوطلب برای آموزش در یک پایگاه نظامی در داخل ترکیه، تأیید دیگری بر حمایت خارجی از مخالفان مسلح سوری است.» (العالم، ۱۳۹۱)

دو. استقرار موشک‌های پاتریوت در مرز ترکیه با سوریه

ترکیه همچنین در بخش دیگری از اقدامات تهاجمی خود، طرح استقرار موشک‌های ناتو را در حالی به مرحله اجرا گذاشته است که ناتو هدف از این اقدام را دفاع از تمامیت ترکیه و ساکنان مناطق مرزی این کشور و نیز کاهش تنش‌ها به درخواست مستقیم آنکارا بیان می‌دارد. به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از صدای روسیه، «حدود ۲۴۰ نظامی آلمانی روز گذشته به بهانه مقابله با تهدیدات احتمالی سوریه برای استقرار سامانه موشکی پاتریوت در جنوب شرق ترکیه وارد این کشور شدند. بر اساس این گزارش در کل، شش سکوی استقرار موشک‌های پاتریوت به ترکیه فرستاده می‌شود که دو تا از این سکوها از سوی آمریکا، دو تا از سوی آلمان و بقیه از هلند تأمین می‌شود.» (مهر، ۱۳۹۱) در ادامه خبرگزاری بی.بی.سی. نیز هدف استقرار این موشک‌ها را دفاع از مردم و سرزمین ترکیه می‌داند. (بی.بی.سی، ۲۰۱۲)

تهدید نظامی ترکیه علیه سوریه

با توجه به اینکه به‌طور کلی سه شرط برای اقدام نظامی ترکیه در سوریه شامل صدور قطعنامه از سوی شورای امنیت بین‌الملل، تصمیم پیمان آتلانتیک شمالی برای مداخله نظامی و حصول تحولات دراماتیک در سوریه که آن را دچار هرج و مرج کرده است به نحوی که شمال کردی سوریه را از سیطره حکومت سوری خارج گرداند وجود دارد، (Meliha Altunisk & Tur, 2006) اما باوجود عدم حصول هر سه شرط، همچنان تنش‌های مرزی میان ترکیه و سوریه ادامه داشته و در برخی مواقع این تنش‌ها منجر به برخوردهایی خشونت‌آمیز شده، به‌طوری که تلفات جانی را در پی داشته است. خبرهای منتشره حاکی است که ترکیه درصدد دفع هرگونه اقدام فیزیکی از طرف سوریه است، چنان‌که «آنکارا پس از اصابت خمپاره و کشته شدن ۵ تن از اتباع غیرنظامی

شهرستان آقچا قلعه، ضمن نسبت دادن این رویداد به ارتش سوریه، چنین اقدامی را تهدیدی جدی علیه امنیت ترکیه خوانده است. سازمان پیمان آتلانتیک شمالی نیز خواستار متوقف ساختن فوری اقدامات تهاجمی علیه ترکیه شده است.^۱ (دوویچه وله، ۱۳۹۱) بنابراین هرگونه تحرکی در مرزهای ترکیه و سوریه، ترکیه را بر آن می‌دارد که دست به مقابله به مثل در آن رابطه زند.

تاثیر عوامل بین‌المللی و فرامنطقه‌ای در سیاست خارجی ترکیه

با توجه به هم‌مرز بودن ترکیه با عراق و ایران و سوریه و همچنین برقراری اتحاد میان ترکیه و اسرائیل، آمریکا از این فرصت در جهت نزدیکی به کشورهای ایران و سوریه در خاورمیانه استفاده کرده و بهبود روابط خود با آنکارا را امری حیاتی تلقی می‌کند. از طرف دیگر، سابقه همکاری این دو کشور بعد از اشغال عراق توسط آمریکا و استفاده از خاک ترکیه برای خارج کردن نیروهای آمریکایی از عراق و نیز در ادامه حضور نیروهای ترکیه در قالب ناتو در افغانستان برای کمک به انجام عملیات نظامی به نیروهای آمریکایی، الزام وجود رابطه میان دو کشور را تبیین می‌کند. در عین حال، آمریکا ترکیه را پلی میان شرق و غرب دانسته و موجبات انعقاد قراردادهای اطلاعاتی میان دو دولت را فراهم آورده، به صورتی که در تحولات سوریه این مساله نمود عینی یافته است. ایالات متحده و ترکیه برای همکاری در برخورد با بحران سوریه تا حد امکان تلاش می‌کنند، با این حال به‌رغم منافع، اصول و اهداف مشترک و حمایت روزافزون مشترک عملیاتی و اطلاعاتی از اپوزیسیون سوریه، همکاری ایالات متحده و ترکیه در سوریه از منظر آنکارا چندان موثر نبوده است، به‌طوری که اردوغان نسبت به عدم همکاری آمریکا برای حمایت از این کشور در جنگ با سوریه اعتراض کرده است. ترکیه با عنایت به مشکلات عدیده‌اش در روند عضویت در اتحادیه اروپا از یک‌سو و نیاز به حمایت آمریکا در مقابله با چالش‌های منطقه‌ایش از سوی دیگر، خواستار گسترش روابط خود با واشنگتن است. آمریکا قصد دارد از شرایط ایجاد شده در سوریه به نفع خود در منطقه استفاده کرده و به کمک ترکیه محور مقاومت منطقه را که شامل مثلث ایران، لبنان و سوریه است و در مقابل محور ترکیه — عربستان

قرار دارد، تغییر دهد. بر همین اساس، آمریکا با حمایت از اقدامات تهاجمی ترکیه و نیز بسترسازی در افکار عمومی جهانی برای تسهیل در روند برکناری اسد از حکومت سوریه، به دنبال ایجاد فضای امن برای اسرائیل، دسترسی بیشتر به منابع انرژی و بازارهای مصرف در خاورمیانه بوده است و این در حالی است که آمریکا در صدد است صرفاً از بحران پیش آمده در سوریه استفاده کرده و توازن قوا را در خاورمیانه با شکلی جدید صورت‌بندی نماید و در این صورت‌بندی جدید ترکیه به مثابه مهره کلیدی، ایالات متحده را در رسیدن به منافع و اهدافش در منطقه یاری رساند. بنابراین با توجه به این فرضیه، آمریکا در حکم هژمون مسلط مانع افزایش قدرت ترکیه در قالب هژمون خاورمیانه خواهد شد. با توجه به موانعی که از سال ۱۹۸۷ تاکنون در عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا وجود داشته و دلایل اتحادیه اروپا برای رد عضویت این کشور در اتحادیه مساله حقوق بشر و موضوع قبرس و کشتار ارمنه بیان می‌شود، بحران سوریه و حضور ترکیه جهت خاتمه این مناقشه و نیز فراهم کردن شرایط مناسب برای آوارگان سوری در ترکیه می‌تواند دیدگاه اتحادیه اروپا را در پیوستن این کشور به آن تا حدودی تعدیل نماید.

از طرف دیگر به دنبال افزایش فشار آمریکا بر سوریه مبنی بر کناره‌گیری اسد از مسند حکومت در این کشور، ناتو نیز در همان مسیر گام برداشته و بر همین اساس طرح استقرار موشک‌های پاتریوت را در مرز ترکیه و سوریه به مرحله اجرا درآورده است. در این بین روسیه و ایران خواستار توقف این طرح شده‌اند. دخالت نظامی ناتو در جریان بروز تحولات در سوریه در قالب دفاع از عضو خود، می‌تواند به تشدید بحران در اتحادیه اروپا بینجامد. از طرف دیگر، اگر دامنه درگیری‌های مرزی اخیر سوریه و ترکیه به نقطه بحرانی برسد و پای دیگر اعضای ناتو را در چارچوب ماده پنج این سازمان (حمایت متقابل اعضا از یکدیگر در زمان تهدید) باز نماید، اقدام نظامی ناتو علیه سوریه در پرتو اصل مداخله بشردوستانه صورت خواهد گرفت تا جبران‌کننده فقدان مشروعیت بین‌المللی این اقدام یعنی عدم برخورداری از مصوبه شورای امنیت سازمان ملل متحد باشد. اگرچه ترکیه برای رفع موانع عضویت خود در ناتو به همکاری با کشورهایی چون فرانسه در اتحادیه اروپا پرداخته است و قصد دارد با استفاده از پتانسیل موجود در ناتو، معادلات سوریه را به نفع خود و نیز در جهت تحکیم عضویتش در ناتو حرکت کند. از این رو موافقت با

استقرار موشک‌های پاتریوت می‌تواند تا حدودی اوضاع را به نفع این کشور تغییر دهد. در این میان فرانسه به‌عنوان کشور تحریک‌کننده ترکیه در جهت منافع ناتو در منطقه ایفای نقش می‌کند.

تاثیر عوامل منطقه‌ای بر سیاست خارجی ترکیه

در واقع، ترکیه با مد نظر قرار دادن رویکرد منطقه‌گرایی در خاورمیانه و حرکت در جهت بیشینه کردن قدرت خود در منطقه در قالب رقابت با ایران در کسب رهبری منطقه و نیز با توجه به استفاده ابزاری از پناهندگان سوری در خاک خود و بالاخره با توجه به وابستگی‌اش به ناتو و بروز برخی درگیری‌های نظامی مرزی با سوریه، خواستار اتمام حکومت سوریه می‌باشد. از آنجا که ترکیه و سوریه نزدیک‌ترین مرزها را نسبت به یکدیگر دارا می‌باشند، هرگونه اختلال در موقعیت سیاسی در سوریه منجر به بروز تنش‌هایی در ترکیه خواهد شد. بدین‌خاطر ترکیه برای تضمین بقای خود که به‌دنبال حفظ امنیت مرزهای این کشور ایجاد خواهد شد، صورتی تهاجمی به اقدامات خود داده و برکناری رژیم اسد را بهترین گزینه برای بازگشت ثبات در مرزهای دو کشور و نیز در سوریه می‌داند، بنابراین در این رابطه از هیچ کوششی فروگذاری نمی‌کند. در همین راستا سایر کشورهای منطقه که به نوعی از رهگذر بحران سوریه از حالت موازنه سابق خود خارج شده‌اند، درصددند تا هر یک با محدود کردن طرفین ذی‌نفع دیگر شرایط بحران را به نفع خود بهبود بخشند و این در حالی است که میان قدرت‌های مطرح منطقه اجماع نظری برای حل این بحران وجود ندارد. همین امر باعث ایجاد رقابت میان کشورهای موثر در معادلات خاورمیانه شده است. از آنجا که ترکیه در استفاده از گزینه‌های غیرمستقیم نظامی در شکل ارسال گروه‌های تروریستی به سوریه گام برداشته است، در نتیجه با واکنش سایر کشورهای منطقه در این باره مواجه شده و برای دستیابی به اهداف خود در کسوت رهبر منطقه به کنترل و مهار رقبای منطقه‌ای خود در جریان بحران سوریه از طریق ایجاد موازنه پرداخته است.

با وجود بحران در سوریه و قرارگرفتن ترکیه و ایران در دو مسیر متفاوت، سرنوشت نظام سوریه در صورت فروپاشی یا دوام به ضرر یکی از دو طرف خواهد بود؛ چراکه ترکیه خواستار

حذف اسد و ایران طالب ابقای او در حکومت سوریه است. بنابراین کشمکش میان دو کشور تا حصول نتیجه نهایی ادامه خواهد داشت. این در حالیست که ترکیه می‌کوشد همواره موازنه‌ای که میان ایران، سوریه و لبنان در جریان بوده و عموماً موجب سنگینی کفه ترازو به نفع ایران است را تغییر دهد، بدین گونه راه را برای ارتقای سطح قدرت هم‌منطقه‌ای خود هموار سازد.

اگرچه روابط ترکیه و اسرائیل از آغاز دارای فراز و نشیب‌های بسیاری بوده، اما می‌توان این روابط را تا پیش از به وجود آمدن شرایط جدید، روابطی در حال گسترش دانست. چنان‌که با وجود روی کار آمدن دولت‌های اسلام‌گرایی چون دولت حزب رفاه، جایگاه و وزن اسرائیل در روابط خارجی ترکیه دستخوش تغییر گسترده و چندانی نشد. بعد از بروز تحولات در کشورهای عربی و در پی آن در سوریه، ترکیه همچنان به حفظ رابطه خود با اسرائیل پرداخته است. (آران، ۱۳۹۱) از آنجا که این رژیم در محاصره سوریه و لبنان به‌عنوان عمق راهبردی ایران محسوب می‌شود و نیز با توجه به قرارداد امنیتی ترکیه و اسرائیل، اسرائیل با اعمال نفوذ در سوریه از طریق ترکیه درصدد است شرایطی را که منجر به بحران امنیتی برای اسرائیل شده است تغییر داده و از این طریق ادامه بقای خود را تضمین نماید.

با توجه به حمایت عربستان از گروه سلفی‌های مخالف مستقر در سوریه، با برکناری اسد از حکومت، صرفاً این گروه اخیرالذکر به قدرت خواهند رسید. از آنجایی که حزب عدالت و توسعه در ترکیه خود یک حزب اخوانی است، این کشور با توجه به ملاحظات امنیتی خود، قدرت‌گیری سلفی‌ها در سوریه را مترادف با توسعه بی‌ثباتی در این کشور تلقی می‌کند که دامنه این بی‌ثباتی به ترکیه نیز گسترش خواهد یافت، از این رو رویکرد عربستان و ترکیه تا حدی متفاوت به نظر می‌رسد، بنابراین ترکیه به محدود کردن فعالیت‌های عربستان در بحران سوریه می‌پردازد. این درحالی است که هر دو کشور به‌دنبال ساقط کردن اسد و برهم زدن موازنه مقاومت منطقه و به‌دنبال آن کاهش نقش منطقه‌ای ایران هستند.

در طول مدت بروز بحران در سوریه، روسیه همواره درصدد حل آن و ازایه راهکار برای خروج از این مناقشه برآمده است. در واقع، سوریه عرصه رقابت آمریکا و روسیه بوده و در این راستا روسیه به مخالفت با اقدامات ترکیه و کشورهای چپ‌گرایان در تشدید شرایط بحرانی دست

زده است. پهلوی گرفتن ناو دریایی روسیه در بندر طرطوس، مخالفت با استقرار موشک‌های پاتریوت توسط ناتو در مرز سوریه و ترکیه، ازجمله اقداماتی است که روسیه برای جلوگیری از برهم خوردن موازنه منطقه با محوریت ایران، لبنان و سوریه انجام داده است. این در حالی است که روسیه و ترکیه دو جبهه مقابل هم هستند. «درخواست ترکیه برای استقرار موشک‌های پاتریوت ناتو در مرز این کشور با سوریه، بار دیگر روابط آنکارا با مسکو را پیچیده کرده است. این در حالی است که مقامات ترکیه صرفاً بر قابلیت دفاعی موشک‌های ناتو تأکید کرده و روس‌ها اوضاع کنونی را نه صرفاً در قالب تقابل ترکیه با سوریه، بلکه در چارچوب گسترده‌تر تقابل غرب با خود نگریسته و مورد ارزیابی قرار می‌دهند.» (فارس، ۱۳۹۱)

امنیتی شدن طائفه علویان در این منطقه نیز از دیگر عوامل اثرگذار بر سیاست خارجی ترکیه است. بعد از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، اگرچه دولت قدم‌هایی برای تحبیب علویان برداشت، اما عدم توجه دولت ترکیه به حقوق اقلیت‌ها اعم از کردها و یا علوی‌ها باعث بروز مساله امنیتی برای آنکارا شده و تنش و کشاکش در جامعه را عمیق‌تر کرده است. علوی‌های ترکیه در کنار کردها بزرگ‌ترین اقلیت این کشور را تشکیل می‌دهند، به گونه‌ای که تخمین زده می‌شود ۱۸ میلیون نفر از جمعیت ترکیه علوی باشند. علاوه بر آن، اکثریت مخالفان دولت اردوغان را علوی‌هایی تشکیل می‌دهند که هسته اصلی اپوزیسیون مخالفان او را تشکیل می‌دهند. مخالفانی که مدام بر سکولار بودن ترکیه تأکید می‌کنند تا بدین ترتیب تضمینی برای حقوق علوی‌ها تأمین کرده باشند. (دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۱) علوی‌ها از لحاظ اجتماعی بسیار متحدتر از قبل شده‌اند و در نتیجه آداب و رسوم آنها نیز جنبه عمومی‌تری به خود گرفته است. در همین راستا، ترکیه شاهد شکل‌گیری هویت فراقومی و یکپارچه علوی‌ها در سراسر کشور است. این در حالی است که بخشی از این طائفه در سوریه بوده و از حامیان دولت اسد به شمار می‌روند. اتحاد این گروه در دو کشور می‌تواند امنیت داخلی ترکیه را به مخاطره انداخته و در انجام فعالیت‌های دولت اردوغان در قبال اسد اختلال ایجاد کند. برهم خوردن ثبات داخلی ترکیه متأثر از وضعیت علویان در مواجهه با مساله سوریه از عمده چالش‌های این کشور خواهد بود.

با آغاز تنش‌ها در سوریه و مداخله مستقیم ترکیه در تشدید بحران در این کشور، کردها نیز

فعالیت خود را دامنهدار کرده و سعی دارند از شرایط پیش آمده برای تحکیم مواضع خود در ترکیه استفاده کنند. شرکت همه‌جانبه ترکیه در تحولات سوریه، امنیت مرزهای آن را به دلیل وجود ضعف در توانایی‌های نظامی و اقتصادی در معرض آسیب قرار خواهد داد؛ چراکه وقتی مهم‌ترین توان ترکیه در جهت نیل به اهداف منطقه‌ای خود از طریق سرمایه‌گذاری در بحران سوریه مورد استفاده قرار گرفته است، این کشور قادر نخواهد بود جبهه مخالف خود را در داخل نیز هم‌زمان به کنترل خود در آورد. ترکیه تلاش کرده است مشکلات خود را با حزب کارگر کردستان، از طریق پشتیبانی از احزاب کرد دارای آمادگی برای پیوستن به نظام سیاسی در دولت‌های خود برطرف کند، به همین دلیل در سوریه به دنبال آن است تا کنترل خود را بر مطالبات احزاب کرد نزدیک به اپوزیسیون و نیز به نظام حفظ کرده و رابطه خود را با کردهای مخالف کشمکش مسلحانه تداوم بخشد و از احتمال تبدیل حزب اتحاد دموکرات به حزب اول کردها در سوریه بکاهد. چنانچه ترکیه به موضع‌گیری شدید خود در قبال سقوط رژیم اسد روی آورد و احزاب کرد به مخالفت با نظام سوریه برخیزند، سوریه بدون شک از حزب کارگر کردستان علیه ترکیه و احزاب کرد سوری بهره خواهد گرفت. (Fantappie, 2011)

تاثیر عوامل داخلی بر سیاست خارجی ترکیه

با توجه به اقدامات ترکیه در بحران سوریه از جمله استقرار موشک‌های پاتریوت ناتو در مرز با سوریه که منجر به تشدید شرایط در این کشور شده است، افکار عمومی ترکیه با برگزاری تجمعات اعتراض‌آمیز خواستار تغییر رویکرد دولت اردوغان نسبت به سوریه شده‌اند. به گزارش پرس تی‌وی، «هزاران تن از مردم ترکیه با آمدن به خیابان‌های این کشور علیه استقرار از قبل برنامه‌ریزی شده موشک‌های زمین به هوای پاتریوت ناتو در نزدیکی مرز سوریه و مداخله‌جویی‌های دولت کشورشان در امور داخلی سوریه، تظاهرات کردند. همچنین اعضای حزب اصلی مخالف در ترکیه موسوم به حزب خلق جمهوری‌خواه اعلام کردند که شبه‌نظامیان لیبیایی و سعودی از طریق مرز ترکیه به راحتی وارد خاک سوریه می‌شوند» (پرس تی‌وی، ۲۰۱۲)

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب مذکور، اگرچه ترکیه در پی اقدامات تهاجمی خود در سوریه در مسیر قدرت‌گیری و نقش‌آفرینی در عمده تحولات منطقه قرار گرفته و با توجه به تفکر نوع‌ثمنی‌گرایی کسب جایگاه هژمون منطقه‌ای را در سر می‌پروراند، از تاثیر اهداف و اقدامات عوامل بین‌المللی و منطقه‌ای به‌دور نمانده و عملاً این عوامل مانعی در جهت رسیدن ترکیه به جایگاه مورد مطالبه‌اش شده است. از آنجا که هدف اصلی غرب در دخالت در بحران سوریه استفاده از سوریه به‌عنوان اهرم فشاری بر ایران و جریان مقاومت بوده است و ترکیه با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی و نیز واقع شدن در دایره دولت‌های طرفدار غرب، بهترین گزینه بدین منظور بوده، آمریکا و به‌دنبال آن ناتو با استفاده از بلیط ترکیه در بازی سوریه وارد شدند تا بتوانند از یک طرف ایران را که در سوریه دارای عمق راهبردی نسبت به اسرائیل بوده تحت فشار قرار دهند و بقای اسرائیل را تضمین کنند و از طرفی، ترکیه را تا آستانه‌ای از قدرت‌گیری پیش ببرند و در نهایت قدرت این دولت را نیز مهار کنند. تغییر چشم‌گیر جایگاه ترکیه در منطقه با مدنظر قرار دادن نوع تفکر حزب عدالت و توسعه در رهبری منطقه می‌تواند در آینده، غرب را با چالش‌های جدی مواجه کند. این امر و نیز اقدامات قدرت‌های منطقه همچون ایران، عربستان و روسیه در تغییر معادلات بحران سوریه به نفع خود و همچنین مواردی از قبیل امنیتی شدن وضعیت علویان و کردها در شرایطی که ترکیه با تمام توان در براندازی نظام سوریه فعالیت می‌کند، می‌تواند چرخش بزرگی در سرنوشت ترکیه و دور شدن این کشور از چشم‌انداز مورد نظرش ایجاد کند. از آنجا که مهم‌ترین راهکار غرب در کسب حداکثری منافع در منطقه برقراری مجدد موازنه قوا میان قدرت‌های منطقه به منظور عدم ظهور قدرت هژمونیکی مثل ایران و عربستان و همین‌طور رقابت عوامل منطقه‌ای برای برد در بازی سوریه بوده است، اقدامات تنش‌زای ترکیه صرفاً به مخدوش کردن چهره تنش‌زدایش منتهی شده و ناگزیر ترکیه خروج از این بحران را بدون کسب امتیاز از دست دادن فرصت احیای آرمان‌هایش تلقی می‌کند؛ اگرچه در این مسیر ترکیه به‌واسطه عدم حمایت مستقیم غرب در اجرای اقداماتش به عقب‌نشینی در برخی مواضع خود نسبت به سوریه روی آورده است. با توجه به این مساله می‌توان به وقوع پیوستن دو سناریو را

برای ترکیه در ادامه تحولات سوریه در نظر گرفت؛ بر این اساس در صورت برکناری اسد از قدرت در سوریه، ترکیه با شکستن موازنه مقاومت منطقه، ابتکار عمل را در حوزه‌های سیاسی و امنیتی در اختیار خواهد گرفت و به جامه عمل پوشاندن به بلندپروازی‌های خود در احیای نوعثمانی‌گرایی خواهد پرداخت و در این مسیر از سد ایران به‌عنوان قدرت مقابلش عبور خواهد کرد و در صورتی که اسد بر مسند قدرت باقی بماند، ترکیه همچنان با گزینش راهبرد موازنه قوا در منطقه، می‌تواند کماکان به نقش سابق خود در قالب یکی از قدرت‌های منطقه در کنار سایرین ادامه دهد و سودای هژمون منطقه‌ای شدن را به محاق فراموشی سپارد، با این تفاوت که روابط تنش‌آمیزی با همسایه خود سوریه خواهد داشت و هزینه‌هایی را پرداخت کرده که می‌بایست پاسخ‌گوی افکار عمومی داخلی خود باشد، ضمن آنکه به‌عنوان یک بازیگر اثرگذار اهمیت خود را نزد متحدین غربی دچار کاهش خواهد دید.

منابع:

۱. //العلم، (۱۱ مرداد ۱۳۹۱)، <http://fa.alalam.ir/news/354534>
۲. آران، (یکم آبان ۱۳۹۱)، <http://www.arannews.ir/fa/news/18964.aspx>
۳. امامی، محمدعلی (۱۳۷۷)، «بررسی سیر روابط ترکیه و سوریه»، مجله سیاست خارجی، سال ۱۲، شماره ۳.
۴. امید، علی و رضایی، فاطمه (۱۳۹۰)، «نوع‌گمانی‌گرایی جدید در ترکیه؛ شاخص‌ها و پیامدهای آن در خاورمیانه»، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره ۳.
۵. بی بی سی، (۴ دسامبر ۲۰۱۲)، <http://www.bbc.co.uk/news/world-middle-east-20590129>
۶. پرس تی وی، (۲۷ دسامبر ۲۰۱۲)، <http://www.presstv.ir.285450.html>
۷. پرس تی وی، (۸ اکتبر ۲۰۱۲)، <http://edition.presstv.ir/detail/fa/285357.html>
۸. تنسیبار، عمیر (۲۰۱۲)، «الروی الاستراتيجية الحاكمة لسياسة تركيا تجاه سوريا»، //السياسة/النوعية، <http://www.siyassa.org.eg/Newscontent/5/25/2700>
۹. دویچه وله، (۱۳ مهر ۱۳۹۱)، <http://www.dw.De>
۱۰. دیپلماسی ایرانی، (۹ اسفند ۱۳۹۱)، <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1913318/.Html>
۱۱. صولت، رضا (۱۳۹۰)، «ابعاد و رویکردهای سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه»، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۵ اسفند، <http://www.fa.merc.ir>
۱۲. طاهایی، سیدجواد (۱۳۸۰)، «کمالیسم، عناصر بحران در نگرش سیاست خارجی ترکیه»، فصلنامه راهبرد، شماره ۲۱، ۲۲۸.
۱۳. سایت اندیشه و عمل پویا (۱۳۹۱)، بخش تحلیل مؤسسه، ۳۰ فروردین، <http://andishe-ap.org/index.php/foreign-policy/96-meadle-east-and-turkeys-new-foreign-policy>
۱۴. شکوهی، سعید (۱۳۹۰)، «عوامل قدرت‌یابی ترکیه در خاورمیانه»، سایت ال آکاین، <http://www.alakayn.com/index.php?option=com>
۱۵. فارس، (۴ آذر ۱۳۹۱)، <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13910904000336>
۱۶. قهرمانپور، رحمان (۱۳۸۹)، «سلسله تحلیل‌هایی در مورد تحولات سیاسی ترکیه»، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات

استراتژیک خاورمیانه، <http://www.fa.merc.ir>

۱۷. محمدی، اردوان (۱۳۹۰)، «مبانی هویتی و سیاست خارجی ترکیه»، خبرگزاری دانشجو، گروه بین‌الملل - خاورمیانه،

<http://snn.ir/NSite/FullStory/News/?id=167879&Serv=2&SGR=114>

۱۸. مرادیان، محسن (۱۳۸۵)، «برآورد استراتژیک ترکیه»، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعاتی و تحقیقات بین‌المللی

ابرار معاصر تهران.

۱۹. ملکی، صادق (۱۳۹۱/۷/۲۷)، «ترکیه و استراتژی مبتنی بر نوستالوژی»، سایت خبرآنلاین،

<http://www.khabaronline.ir/detail/251868/World/europe>

۲۰. مومن‌زاده، رضا (۱۳۹۱/۰۲/۲۶)، «ژئوپلیتیک جنگ: رویکرد سیاست خارجی ترکیه جدید»، خبرگزاری فارس،

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13910726000158>

۲۱. مهر، (۲۱ مرداد ۱۳۹۱)،

<http://www.mehrnews.com/fa/newsdetail.aspx?NewsID=1670935>

۲۲. مهر، به نقل از صدای روسیه، (۲ بهمن ۱۳۹۱)،

<http://www.mehrnews.com/fa/newsdetail.aspx?NewsID=1796335>

23. Davutoglu, Ahmet, Foreign Minister of Turkey(2012), "Turkey Foreign Policy Objectives in a Changing World," *Center for Strategic and International Studies* (csis.), Washington D.C. 10 February.

24. Fantappie, Maria(2011), "Assassination so far to Unite Syria's Conflicted Kurds," *The National*, Oct. 16.

25. Phillips, Christopher(2012), "Turkey and Syria," p. , at: <http://www2.lse.ac.uk/IDEAS/publications/SR007>

26. Khoury, Philips(1987), "Suriya and French Mandate," IB. Tauris and CO. LTD Publisher, London.

27. Lindenstrauss, Gallia (March 2012) "Turkey and the Arab Spring: Embracing 'People's Power,'" Papers IEMed, Published by the European Institute of the Mediterranean (IEMed), Retrieved May 25, 2012, from: [www.inss.org.il/upload/\(FILE\)1334575724.pdf](http://www.inss.org.il/upload/(FILE)1334575724.pdf)

28. Meliha Altunisk, Benli & Tur, Ozlem (2006), "Form Dislant Neighbors to Partners?: Changing Syrian-Turkish Relations," *Security Dialogue*, 2006, 37:228-229, <http://sdi.sagepub.com.db.atu.ac.ir/content/37/2/229.full.pdf+html>

29. Mersheimer, John J.(2001), "The Tragedy of Great Power Politics," w.w. norton &co.
30. Noori, Vahid(2012), "Statas Seeking and Iranian Foreign Policy," 30 June, *ISR*.
31. Vela, Justine(2012), "Assad talks of a 'State of War' as Rebels Attack Clashes on Outskirts of Damascus as Turkish PM Sends a Warning to the Syrian Regime," 27 June , at: <http://www.independent.co.uk/news/world/middle-east/assad-talks-of-a-state-of-war-as-rebels-attack-7888915.html?origin=internalSearch>